



بازی از من چه انتظار و توقعی دارد و آن را انجام می‌دهم. در این مدت همکاری پیوسته و موفقی داشتیم. برهانی‌مرد با شناخت و احاطه در تئاتر متن می‌نویسد و روی صحنه اجرا می‌کند. از طرف دیگر بسیار منطقی و با دقت پیشنهادات بازیگرانش را در حین کار گوش می‌کند و به بازیگر اجازه می‌دهد از خلاقیتش استفاده کند و روی متن و خواسته‌اش پافشاری نمی‌کند که بازیگر عین متن بازی کند. البته جلوی اضافه کاری‌های بازیگران را هم می‌گیرد. در اجرای اول نمایش «پاییز» در سال ۸۱ نقش جذاب یک مادر آذری زبان را بازی کردم. در اجرای مجدد نمایش هم همچنان این جذابیت‌های ایفای نقش مادر برایم وجود داشت و بعد از این همه سال تجربه‌ام بیشتر شده بود و می‌توانستم بهتر نقش مادر را بازی کنم. برایم نوع حرف زدن این مادر که ترکیبی از آذری و فارسی بود ویژگی مهمی محسوب می‌شد. البته من تجارب موفقی با محمد یعقوبی داشتم و نقش‌های متفاوتی مثل مادر آلزایمری نمایش «ماه در آب» را بازی کردم. معمولاً موقعی که نقش مادر را بازی می‌کنم به الگوهای کنارم مثل مادر و عمه‌هایم ارجاعی دارم.

در رادیو هم بارها نقش مادران را جان بخشی کرده‌اید...

این نوع نقش‌ها را در رادیو و در قالب نمایش‌های مختلف زیاد بازی کرده‌ام. سه سال قبل در ۴ نمایش رادیویی «تولد»، «خط قرمز و خط آخر» و «ره صد ساله» به کارگردانی مهرداد عشقیان بازی کرده‌ام که محوریت آنها درباره فضای مجازی و چالش‌های مربوط به آن است و در این نمایش به خوبی ابعاد حضور و استفاده مردم از فضای مجازی و به خصوص جوان‌ها در بوته نقد و بررسی قرار می‌گیرد. در این چهار نمایش نقش چهار مادر با ویژگی‌های متفاوت را بازی کردم. مادرانی که نماد مادران دلسوز و مهربان ایرانی هستند.

آیا محمد کارت با دیدن بازی‌های مادرانه شما در تئاتر نقش مادر فیلم «شنای پروانه» را به شما سپرد؟

محمد کارت تئاتری از من را دیده بود و دعوت‌م کرد و رفته دفترشان و گفتم قرار است برای اجرای نمایش ابراهیم پشت کوهی برویم بوشهر و چون فیلمبرداری قرار بود چند روز بعد شروع شود گروه با بازیگر دیگری صحبت کرد که در جلسات اول فیلمبرداری کارت از عملکرد بازیگر راضی نبود و دوباره با من تماس گرفتند و من با کمی قهر گفتم که بدون من کار را شروع کردید و بالاخره با اصرار فراوان و بسن قرار دادی خوب پذیرفتم. تجربه خوبی از بازی در فیلم دارم و اگر الان بگویند بهترین کارگردانی که در سینما با او کار کردی چه کارگردانی است می‌گویم محمد کارت. کارت خیلی همراه بازیگر بود و نقشم هم جذاب بود.

آیا بعد از «شنای پروانه» پیشنهادات مشابهی داشتید؟

یکی از اصول کاری‌ام این است که همزمان تکرار نقش در آثار مختلف را نمی‌پذیرم و خیلی از پیشنهادات خوب بازیگری را به همین دلیل از دست دادم و خیلی از پیشنهادات را چون مشابه مادر «شنای پروانه» بود قبول نکردم. بعدش هم علی‌رغم آسیب پایم در سریال «باغی» دوباره با کارت همکاری کردم.



آیا این بداهه را قبلیش اتود می‌زدید؟
نه، قبلیش با علی‌خانی هماهنگ کرده بودم که آیا اشکالی ندارد که با نیکخواه تیکی بزنم و خودم در صحنه بداهه می‌گفتشان.

اینکه می‌گفتید من شیرم هم بداهه بود؟
بله (باخنده). حضور در «جوکر» برایم خیلی مفرح بود و اصلاً سر کار احساس خستگی نمی‌کردم.

شهرت در این مقطع سنی برایتان چه ویژگی‌هایی دارد؟

زیاد از شهرت خوشم نمی‌آید. شهرت هم خوب و هم بد است و گاهی در دسر ساز می‌شود و زیاد اهل شبکه‌های مجازی نیستم. اینکه بعد از پنج دهه بازیگری مردم من را با فامیلی صدا می‌زنند لذت بخش است و انرژی مثبت دارد.

برگردیم به قبل و این که مدتی در هلال احمر کار کردید...

بله، بیشتر مردم در تهران دهه شصت و شروع جنگ فضای واقعی جنگ را به جز موشک باران‌ها درک نکرده بودند و بیشتر شهرهای جنوبی درگیر جنگ بود. موقعی که از دانشگاه فارغ‌التحصیل شدم چند سالی بیکار بودم و متوجه شدم هلال احمر نیاز به نیروی داوطلب دارد تا ضمن دیدن دوره‌های آموزشی در بخش اسرا و مفقودین کمک کنند و دو سال به صورت رایگان برای هلال احمر کار کردم. در آن دوران، همه نامه‌های اسرای ایرانی به دست ما می‌رسید و با خانواده اسراء، مفقودین و شهداء در ارتباط نزدیک بودیم و به همین دلیل این خانواده‌ها را خوب می‌شناسم و در ایفای نقشم از این تجربیات استفاده کردم. یادم می‌آید روزی بعد از دادن خبر اسارت رزمنده‌ای به خانواده‌اش از فرط احساسات و غمی که پیدا کردم حال بد شد و روانه بیمارستان شدم. در این نامه‌ها به شرایط سخت اسراء در بازداشتگاه‌های عراق اشاره می‌شد و با تالمت روحی خانواده‌شان درگیر و همراه بودم و برای بازی در نمایش «سردار» از این تجربه و هم نشینی با مادران اسیر و مفقود الاثر استفاده کردم و این برایم خیلی ارزشمند و عزیز است.

در سینما با محسن مخملباف شروع کردید؟
بله، در فیلم «سلام سینما» با مخملباف کار کردم.

آیا حدس می‌زدید یک دهه بعد مخملباف دچار چنین سرنوشتی بشود؟
اصلاً، البته محسن مخملباف دیوانه بود. (باخنده) چرخش تفکراتی او واقعاً عجیب و غریب و ذهنش خیلی مالیخولیایی بود.

بتدریج از اواخر دهه هفتاد با حضور در نمایش‌هایی مثل «پاییز» نادر برهانی‌مرد و نمایش «ماضی استمراری» و سالهای بعد در «شنای پروانه» شما میل درستی از مادر ایرانی طبقه فرو دست را ارائه کردید؟

آشنایی و همکاری‌ام با نادر برهانی‌مرد از اواخر دهه هفتاد در رادیو شروع شد و در کار به یک زبان مشترک رسیدیم. او به خوبی می‌داند چگونه از بازیگرش بازی بگیرد و از نقاط قوت بازیگر به خوبی استفاده می‌کند. من با نگاهی می‌دانم در



خیلی از کارها مثل فیلم «سگ بند» هم همکاری داشتیم. البته دوره‌ای بود که اصلاً پیشنهادات تصویر را قبول نمی‌کردم و دوست داشتم فقط تئاتر کار کنم.

آیا از درآمد تئاتر راضی بودید؟
دوران سختی به لحاظ مسائل اقتصادی تجربه کرده بودم و ساده و با قناعت زندگی می‌کردم. اگر همان موقع پیشنهادات تصویری را قبول می‌کردم تا حالا حداقل دو تا خانه داشتم و الآن مستاجر نبودم.

دکتر صادقی دستمزد خوبی می‌داد؟
اصلاً، هرچی دوست داشتم می‌داد (باخنده). بالاترین دستمزد ایشان هشت هزار تومان برای چهار - پنج ماه کار بود. البته از زمان تشکیل رده بندی مشاغل هنری در میانه هشتاد دستمزد بهتر شد.

اولین دستمزد قابل توجه تان را از «چار دیواری» گرفتید؟

نسبت به تئاتر بهتر بود. اما تهیه کننده این کار هم در دستمزد دادن خساست داشت. سه چهار تا کار برای سیروس مقدم بازی کردم و برای پایتخت هم دعوت شدم اما نرفتم.

به نظرم موقعیت خوبی بود چرا نرفتید؟
برای بازی در پایتخت ۷ تنبند به ما من تماس گرفت و گفت بیا شیرگاه و چون سرم شلغو بود و اصلاً پیشنهادات شهرستان را قبول نمی‌کردم، نپذیرفتم.

ولی سریال پایتخت ۷ خیلی باز خورد خوبی بین مردم داشت. آیا الآن پشیمان نیستید آن را قبول نکردید؟

نه، «جوکر» برایم کلی محبوبیت و شهرت آورد...

استفاده در دست از تجارب زبسته و بازی تان باعث شد با حضور تان در «جوکر» تبدیل به چهره محبوبی برای مردم بشوید.

بله، حضور در «جوکر» باعث شد که همه مردم من را بشناسند و خیلی از مردم در کوچه و خیابان با من عکس می‌گیرند.

آیا این محبوبیت باعث شد بزنه‌هایی از آن استفاده کنید؟

خیلی کمکم کرد چند باری کارم به دستگاه‌های دولتی برخورد که با کمال احترام در کوچکترین زمان و بدون معطلی کارم را انجام دادند. مردم نسبت به من انرژی و احساس خوبی بروز می‌دهند.

چقدر از بازی‌های تان مثل رپ خوانی و یار جز خوانی بداهه بود؟ و کلا چقدر برای بداهه گویی که انجام می‌دادید با احسان علی‌خانی هماهنگی می‌کردید؟

در این نوع کارها بداهه گویی بازیگر خیلی اثر گذار است و باعث ارتباط با مخاطب می‌شود و من و سایر بازیگران هم چنین کاری کردیم و در لحظه تصمیم به بداهه می‌گرفتیم مثل کل کلی که با نیکخواه داشتم و درباره رنگ شلوارش نظر می‌دادم. به گواه آمار «جوکر» بانوان بهترین بخش‌های این ریالتی شو بوده است.



اسکویی هم مثل خسروی عقاید چپی داشت.....
شانس من هم همکاری با چپ‌ها بود. (باخنده)

در آموزش شکده آن‌ها تان بزرگانی مثل مهدی فتحی هم حضور داشتند...

ایشان جزو اساتید ما در حوزه فن بیان بود و ناصر حسینی مهر و اسکویی سایر اساتید بودند. سه سال تحت نظر ایشان و همسرشان آموزش دیدم.

آیا برای بازی در تئاتری شما را معرفی کردند؟
مخالف چنین کاری بودند و مایل بودند فقط در آن‌ها تان کار کنیم. من چون جسور هستم، این حرف را گوش نکردم و رفتم با بهزاد فراهانی به واسطه اینکه به آن‌ها تان رفت و آمد داشت کار کردم...

در آن‌ها تان خیلی از بزرگان رفت و آمد داشتند...
بله دکتر آریانبور، تقی ظهوری، گرمسیری و خیلی‌های دیگر.

در کدام نمایش با فراهانی همکاری کردید؟

فراهانی قصد داشت نمایش «مریم و مرداوچ» را کار کند و همزمان مهین اسکویی هم «تاریکی‌های سرکش» را برای اجرا انتخاب کرد. آن زمان تازه محمد منتظری سکان تئاتر را دست گرفته بود و اجازه دادند اسکویی این نمایش را اجرا کند. اما در مرحله نهایی و شروع اجراء در تالار وحدت مجوز اجرای نمایش لغو شد و انگ سیاه نمایی به نمایش زدند و من رفتم در نمایش «مریم و مرداوچ» در کنار بزرگانی مثل آتش تقی‌پور، مهتاب نصیرپور، شهین علیزاده، پرویز پرستویی و رویا تیموریان بازی کردم و برایم خیلی جذاب بود.

در ادامه هم با دکتر قطب‌الدین صادقی کار کردید؟
دکتر صادقی قصد اجرای نمایش «مده‌آ» را داشت و چون دیدم من به کارم اشرف دارم، اعتماد کرد و نقش دایه را در عین جوانی به من داد و بازی کردم. آن دوره، دوره اوج دکتر صادقی با اجرای متن‌هایی مثل «ژانس»، «هملت» و «سیمرغ» بود. در آن برهه در شش نمایش با دکتر صادقی کار کردم.

معمولاً همیشه نقش‌های بیشتر از سن و سال تان را بازی می‌کنید.

بله، شاید کارگردان‌ها به خاطر صدا و چهره‌ام چنین تصمیمی می‌گرفتند.

در این سال‌ها رفتید تلویزیون و در سریال «چار دیواری» سیروس مقدم در کنار آتیلا پسیانی حضور موفقی را تجربه کردید؟

مردم خیلی «چار دیواری» را در باز پخش‌های متعدّدش دیدند و دوستش دارند.

زوج جذاب و در عین حال نا متقارنی با آتیلا پسیانی تشکیل دادید.

بله، نکته جالب برایم برخورد حرفه‌ای مرحوم پسیانی بود و بعد از ۸ ساعت کار خدا حافظی می‌کرد و می‌رفت و می‌گفت اصلاً سریال‌هایی را که بازی می‌کند اصلاً نگاه نمی‌کند. از این سریال کلی خاطره خوب دارم و خیلی این زوج خوب از کار درآمد و کار با امیر جعفری هم که تجربه همکاری در تئاتر داشتیم جذاب بود. بعدش هم در